



گفت‌وگو با احمد رضا یزدانی مقدم
درباره فلسفه سیاسی فارابی

فلسوف عمل

سیاسی که فارابی از آن یاد می‌کند در استمرار اندیشه سیاسی یونان و حکیمان رواقی قرار دارد و یونانی خالص نیست. گذشته از اینکه بعید هم نیست همان‌طور که خود فارابی هم متذکر می‌شود، این اندیشه سیاسی از اندیشمندان دیگر و تمدن‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر هم تأثیر پذیرفته باشد.

اندیشمندان و پژوهشگرانی که یا از فصول منتزعه شروع می‌کنند و به مبادی آرا و سیاست‌المدنیه ختم می‌شوند یا برعکس؛ استدلالی دارند و آن استدلال این است که فارابی از اندیشه سیاسی یونان شروع کرده و به اندیشه سیاسی اسلام ختم شده است یا برعکس از اندیشه سیاسی اسلام شروع کرده است و به اندیشه سیاسی یونان ختم شده است.

می‌توان راه بدیلی پیشنهاد کرد، آن هم تحلیل اصطلاحات و مضامین و مفاهیم عمده این آثار است. بنابراین به نظر می‌آید براساس تحلیلی که در همان جایگاه وحی و مقالات دیگر توضیح داده شده، با توجه به توسعه مفاهیم در آثار فارابی به این نتیجه می‌رسیم که فارابی ابتدا فصول منتزعه را نوشته و بعد تحصیل السعاده و به احتمال قوی بعد از این دو اثر، المله را نوشته و بعد به احتمال قوی سیاست‌المدنیه و بعد مبادی آرا اهل‌المدنیه الفاضله را نوشته است. این سیر با تحلیل مضامین، اصطلاحات، مفاهیم و بسط موضوعات و چگونگی توضیح مفاهیم موضوعات استنباط می‌شود. به نظر می‌رسد همین هم از نظر تاریخی واقع شده است یا نزدیک به همین واقع در تاریخ شده است. حالا این مساله چه تأثیری در فهم ما از فارابی دارد؟ این خیلی مهم است که فارابی در فصول منتزعه می‌گوید من می‌خواهم دستاوردهای قدما - که در اینجا منظورش اندیشمندان سیاسی یونان و فیلسوفان سیاسی گذشته است - را بیان کنم. خوب چرا می‌خواهد بیان کند؟ برای آنکه ظاهراً فصول منتزعه مقدمه یا مانند مقدمه‌ای است بر فلسفه افلاطون. فارابی اثری دارد تحت عنوان فلسفه افلاطون که نسخه‌ای از آن را نویسنده و پژوهشگر مصری عبدالرحمن بدوی در مجموعه افلاطون فی الاسلام منتشر کرده است.

کتاب فلسفه ارسطاطالیس را هم در سال ۲۰۰۸ محسن مهدی منتشر کرده است و ظاهراً آخرین اثری است که محسن مهدی از فارابی و متون فارابی به انتشار رسانده است. ظاهراً فارابی اول این دو اثر (فلسفه افلاطون و فلسفه ارسطاطالیس) را نوشته است و بعد فصول منتزعه را به عنوان مقدمه بر این دو اثر نوشته و بعد تحصیل السعاده را به عنوان

بعد تحصیل السعاده و فصول منتزعه را نوشته است. استدلال گروه اول این است که چون فصول منتزعه یک اثری است که از فلسفه یونان تأثیر پذیرفته است، پس لابد فارابی از متن‌های اسلامی یا متن‌های نزدیک‌تر به اندیشه اسلامی مانند مبادی آرا شروع کرده و کارش به متن‌های یونانی ختم شده است. یعنی از ساحت اندیشه سیاسی-اسلامی به ساحت اندیشه سیاسی-یونانی منتقل شده است.

این مطلب اشکالات خود را دارد برای اینکه هیچ دلیل و استدلال قابل قبولی وجود ندارد که متنی مانند فصول منتزعه یا تحصیل السعاده صرفاً نقل قول از حکیمان یونانی و اندیشه یونانی باشد یا اینکه بگوییم مبادی آرا یا اندیشه سیاسی-اسلامی شروع شده است و... بلکه در هر موردی ما قرائنی داریم که نشان می‌دهد چه در سیاست‌المدنیه، چه در فصول منتزعه و چه در تحصیل السعاده در همه اینها هم عناصر اندیشه سیاسی-اسلامی و اصطلاحات اسلامی و به ویژه مفهوم امامت شیعی امامی قابل مشاهده است. کم‌وبیش در همه این آثار اندیشه سیاسی یونان نیز قابل مشاهده است. لازم به توجه است اندیشه

در گفت‌وگو با احمد رضا یزدانی مقدم، دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ضمن بررسی تقدم و تاخر آثار فارابی درباره هدف و پروژه فارابی در فلسفه سیاسی به گفت‌وگو نشستیم. وی معتقد است فارابی از عملگراترین فیلسوفانی است که می‌شناسیم. یزدانی مقدم با نقد تلقی هانری کربن از مدینه فاضله فارابی آن را نادرست خواند و تأکید کرد فارابی می‌خواهد مدینه فاضله را تحقق ببخشد و این‌طور نیست که مدینه فاضله وی شهری در آسمان‌ها باشد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

III

یکی از بحث‌هایی که در باب آثار فارابی فارغ از ماهیت و مطالبی که در آن ذکر شده، وجود دارد، تقدم و تاخر این آثار است، از نظر شما آثار فارابی در حوزه فلسفه سیاسی دارای چه ترتیبی است و اهمیت این امر چیست و فهم این مساله ما را به چه حقیقتی رهنمون می‌کند؟

درباره آثار فارابی دیدگاه‌های متفاوت و گاه متقابلی وجود دارد. درباره اینکه فارابی کدام اثر را اول نوشته و کدام اثر را بعد نوشته، همواره بحث بوده است. پنج اثر مهمی که فارابی در فلسفه سیاسی دارد عبارتند از مبادی آرا اهل‌المدنیه الفاضله، سیاست‌المدنیه، المله، تحصیل السعاده و فصول منتزعه. این آثار فارابی از گذشته محل بحث است و در رابطه با تقدم و تاخر و ماهیت آنها بحث‌های مفصلی وجود دارد. در جاهای دیگر در این باره صحبت شده است هم در «جایگاه وحی در فلسفه سیاسی از نظر فارابی، ابن‌سینا، شیخ اشراق، خواجه نصیرالدین طوسی و صدرالمتألهین» و هم در چند مقاله‌ای که در رابطه با فارابی نوشته و منتشر شده است در آنجا توضیح داده‌ام که چه دیدگاه و چه تحلیل‌هایی در این باره وجود دارد.

در حال حاضر نمی‌خواهیم وارد بحث تفصیلی از ماهیت آثار فارابی و مطالبی که در آن آثار هست، بشویم. بحث الان این است که تقدم و تاخر آثار فارابی چگونه است. برخی ایده‌ای را اظهار کرده‌اند که آثار سیاسی فارابی از فصول منتزعه شروع شده و بعد تحصیل السعاده و بعد هم سیاست‌المدنیه و بعد هم مبادی آرا اهل‌المدنیه الفاضله است. آنها توجیهاتی دارند که چرا آثار این‌گونه شروع شده و چرا به این ترتیب قرار گرفته است؟ بعضی‌ها ترتیب مقابله هم اظهار شده است که مثلاً فارابی اول مبادی آرا را نوشته و بعد سیاست‌المدنیه و

فارابی منقطع از اندیشه و

تاریخ اندیشه و جهان

اندیشه نبود و با سنت فکر

و اندیشه و فلسفه آشنایی داشت. او

آنها را بازخوانی و بازتفسیر کرده است

و بر پایه همان، مفاهیم جدید و

تحلیل‌های جدیدی به دست آمده و

همه اینها را در رابطه با جهان اسلام و

فرهنگ اسلامی و تاریخ اسلامی از

اینها به خدمت گرفته است. این روش

فارابی یک‌طور داد و ستد علمی است

